نقد کتاب دکتر سها (مقدمه)

بسم الله الرحمن الرحیم

سال ۱۳۹۱ کتابی در فضای مجازی منتشر شد که در آن نویسنده‌ای مجهول با اسمی مستعار به بررسی و نقد قرآن پرداخته بود و از نظر ثابت کرده بود که قرآن، کتاب الهی مسلمانان، فاقد ارزش الهی و جعلیاتی از جانب حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است و در جای جای کتاب به کرات این اتهام را تکرار می‌کند.

نگارنده‌ی این سطور قبلا کتاب ۲۳سال دشتی و تولد دیگر شجاع الدین شفا را خوانده بود و با تحقیق و کندوکاو، اتهامات این دوکتاب را بررسی کرده و در خلال تحقیقات نیز دو کتاب از اندیشمند بزرگ جهان اسلام جناب دکتر طباطبایی را به نام‌های خیانت در گزارش تاریخ و دین‌ستیزی نافرجام را مطالعه نموده ، و به عینیت دیده که این دو کتاب منتقدان اسلام از بیس علمی و تحقیقاتی ضعیفی برخوردار است و اتهاماتی به اسلام و مسلمانان وارد کرده اند که خود مسلمانان نه تنها آن را قبول نکرده‌اند بلکه خود از منتقدان جدی این مباحث هستند.

آنچه که بعد از دیدن کتاب نقد قرآن دکتر سها درک کردم و بعدها نیز صحتش تأیید شد این بود که مدار این کتاب‌ها بر تدلیس، کذب و به هدف تحمیق خواننده نگاشته می‌شود و در ورای شعار عوام‌فریب روشنگری چیزی جز دروغ و تدلیس و اتهام‌های ظالمانه وجود ندارد. در واقع نویسندگان این کتاب‌ها و حامیانشان خود را روشنفکران جامعه می‌دانند و رسالت خود را روشنگری می‌دانند اما هنگامی که کتاب‌ها و دست‌نوشته‌های این افراد را با رسالت مورد ادعایشان مقایسه کنید چیزی جز عوام‌فریبی و تحمیق خوانندگان نیست. در واقع این افراد روشن‌فکرانی هستند که با چراغ به قصد دزدی وارد اندیشه مردم شده‌اند.

اما متأسفانه جامعه‌ای که در فقر فرهنگی قرار دارد و تمام شواهد آماری دال بر این نکته است که شاخص‌های فرهنگی ما در پایین‌ترین جای ممکن قرار دارد، کتاب‌هایی مانند نقد قرآن و ۲۳سال دشتی، نقل محافل آن می‌شود و همفکران این افراد حلقوم خود را باز کرده و با فریادهای گوش‌خراش خود، فضای مجازی را از کپی پیست کردن این مطالب مالامال می‌کنند و با ژستی روشن‌فکرانه باد به غبغب می‌اندازند و آخر پست‌هایشان می‌نویسند: التماس تفکر و سپس طبیعت را شاکر می‌شوند که قصد روشنگری دارند و می‌خواهند جامعه‌ی مفلوک ایرانی را به سوی نور هدایت کنند.

با مشاهده‌ی این وضعیت و توجه جامعه اسلام‌ستیز به این کتاب، هرچند ادعاها، تکرار مکررات بود اما باز هم کتاب را مطالعه کردم و به ادعاهای مطرح‌شده توجه کردم؛ آنچه که ادراک کردم ضعف و بی‌ثباتی علمی در آن بود .

به همین دلیل به پیشنهاد چند تن از برادران دینی، هم‌پیمان شدیم که واقعیت را به تصویر بکشیم و آنچه را که حقیقت می‌دانیم بر زبان قلم بیاوریم تا محققین با آگاهی از دو جریان فکری به واقعیت پی ببرند. بدانند آنچه را که روشنفکری و آگاه کردن مردم می‌نامند چیزی جز گمراه کردن مردم نیست و متأسفانه شرایط

جامعه و بی‌تفاوتی حامیان دینی در کشور نسبت به این مسائل در افزایش وضعیت ابهام نقش به سزایی داشته است.

واقعیت این است که اگر بدون هرگونه پیش‌داوری و با آگاهی، این کتاب مطالعه شود به فراست می‌توان دریافت که نگارنده‌ی کتاب فردی است که میزان آگاهی و سوادش در مباحث دینی پایین و برای جبران این کمبود، دست به تدلیس، کذب، افترا و خلط مبحث زده است.

بنده به عنوان نگارنده این سطور و یک مسلمان با آگاهی کامل از مبانی دینی خود ادعا می‌کنم که ایدئولوژی اسلام از همان ابتدا اصل را بر آزادی بیان گذاشته و هرگز از این اصل خود تا زمانی که مال و جان و آبروی مسلمانان هتک حرمت نشود، دست برنمی‌دارد و پیوسته آن را قبول دارد. چرا که آن هنگام کافران گفتند:

وقال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن – کافران گفتند به این قرآن گوش ندهید.

اما اسلام جبهه مخالف را بیان کرد و فرمود:

فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه – بشارت بر بندگانم، آن‌هایی که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را انتخاب می‌کنند.

و هرگز از نقد متخصصانه و با تکیه بر صداقت بیان در انتقاد، شاکی و ناراحت نیستیم چرا که معتقدیم که ایدئولوژی‌ای که به پختگی مبانی دینی خود مطمئن است هرگز از انتقاد هراسی ندارد و پیوسته در قرآن مبارک این تحدی و دعوت وجود داشته که اگر قرآن اشتباه می‌گوید:

قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین - بگو برهان و دلیل خود را بیاورید، اگر راستگو هستید.

اما اصول انسانی حکم می‌کند که انتقاد با تکیه بر صداقت در نقل و به دور از تهمت و یا استناد به منابع باارزش است. همچنین ذکر این نکته لازم و ضروری است که در نقد، رعایت ادب و استفاده از بیان احترام‌انگیز، جزئی لاینفک است که متأسفانه در این کتاب‌ها رعایت نمی‌شود.

لازم به ذکر است که لازمه‌ی نقد هر تفکری توجه به مبانی اعتقادی آن است که متأسفانه در این کتاب‌ها رعایت نمی‌شود و با مبانی اسلام چیزی فراتر از مبانی و اصول مسلم آن رفتار می‌شود که در ادامه مطالب به این نکته می‌پردازیم.

در این سلسه مقالات به نگرشی کلی بر چهارچوب کتاب و منهج تحقیقی جناب سها می‌پردازیم و إن‌شاءالله نقد کامل و مفصل کتاب در آینده ای نه چندان دور در دست محققین عزیز قرار خواهد گرفت تا به صورت مفصل و جزئی به ادعاهای این بنده الله تعالی پی ببرند و إن‌شاءالله با حسن نظر خود حق را انتخاب خواهند

کرد. با ما همراه باشید. إن‌شاءالله در حلقات متعدد به واکاوی منهج فکری دکتر سها می‌پردازیم و سیمایی کلی از ضعف‌های کتاب را که غیر قابل اغماض هستند، نشان خواهیم داد.